

عدم اشاره شیخ صدوق به این توقع، نسبت به صدور آن در حق وی تردید کرده و اختلال داده‌اند که مخاطب توقع یکی از مشایخ او با همان نام و کنیه باشد. همچنانکه تاریخ ولادت او را در ربع آخر قرن سوم، بعد از وفات امام عسکری علیه السلام، می‌دانند (ابن‌بابویه، مقدمه حسینی، ص ۵۷-۶۱). مذکوره او با سومین نایب امام عصر عجل اللہ تعالیٰ فرجه، حسین بن روح نوبختی، در بغداد و نیز مکاتبه او (از جمله به مناسبت درخواست دعا از امام عصر عجل اللہ تعالیٰ فرجه، برای فرزنددار شدن) در بیشتر کتابهای رجال ذکر شده است (از جمله ۲۶۱، ص نجاشی، ابن‌بابویه در ۳۴۳ همزمان با کشtar حاجیان به دست قراطنه، بعد از کسب اجازه از حسین بن روح به حج رفت و به دلیل راهنمایی او در مرور زمان حرکت، از کشته شدن نجات یافت (نوری، ج ۳، ص ۵۲۸؛ تستری، ج ۶، ص ۴۷۳). در کتاب الاعلام باعلام بیت اللہ الحرام به مناسبت ذکر هجوم قراطنه به مکّه، از شخصی به نام علی بن‌بابویه پادشاه که به هنگام طوف کشته شد (– نوری، ج ۳، ص ۵۲۸؛ طریحی، ج ۴، ص ۴۶۷-۴۶۸)، برخی او را همان «ابن‌بابویه» معروف دانسته‌اند، ولی ابن‌بابویه در ۳۲۹ در گذشته (نجاشی، ص ۲۶۲) و مدفن او در قم مشهور است. شیخ طوسی در الغیة ماجرای برخورد او و نیز ابروهشل نوبختی را با حسین بن منصور حلاج<sup>۱</sup>، به دلیل داعیه نیابت امام عصر عجل اللہ تعالیٰ فرجه، که به خروج حلاج از قم انجامید، ذکر کرده است (نوری، ج ۳، ص ۵۲۸). به گفته ابوعلی طوسی معروف به مفید ثانی، نخستین کسی که روایات هم موضوع را با حذف سند در یکجا گردآورده، ابن‌بابویه بوده و متأخران او این روش را پسندیده‌اند (افتندی اصفهانی، ج ۴، ص ۶) بنا به گفته او و شهید اول و علامه مجلسی (مجلی، ج ۱، ص ۲۶؛ افتندی اصفهانی، ج ۴، ص ۶-۷) به دلیل جایگاه علمی و ونایت ابن‌بابویه، دانشمندان امامیه فتاوی او را در رساله‌ای فقهی که برای فرزندش صدوق نوشته، در صورت دست نیافتن به روایت، ملاک قرار می‌داده‌اند؛ همچنانکه شیخ صدوق در الفقیه ابوای را با استناد به مطالب همان رساله تدوین کرده و آن رساله فقهی را در شمار اصول حدیثی معتمد ذکر کرده است. نجاشی (ص ۴۶۱) از تأیفات او هجدۀ کتاب ذکر کرده که از آن جمله است: الامامة والتبصرة من الحيرة، ترب الإسناد، الشراح (و این رساله فقهی ابن‌بابویه است)، التوحید والمنتقى، ابن‌ندیم به مناسبت ذکر ابن‌بابویه، جمله‌ای از خط شیخ صدوق نقل می‌کند که براساس آن، پدر وی دویست کتاب و خود او هجدۀ کتاب نوشته است (ص ۲۴۶). شوستری (تُستری) معتقد است که ابن ندیم در نقل عبارت انتباه کرده و شماره کتابهای پسر را به پدر و پدر را به پسر نسبت داده است (ج ۶، ص ۴۷۴). از بیشتر

بابویه، آل. از خاندانهای مهم علمی شیعی در قرون سوم تا هفتم، اصل این خاندان از قم بوده و سپس بسیاری از افراد آن به ری کوچیده‌اند. زمان این کوچ معلوم نیست. شیخ مستحب الدین رازی<sup>۲</sup> (متوفی بعد از ۴۰۰)، آخرين فرد سرشناس این خاندان، از جد خود به عنوان «قمقی نزیل ری» یاد می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد که این انتقال با استقرار شیخ صدوق<sup>۳</sup> (متوفی ۳۸۱) در ری آغاز شده باشد. نخستین عالم شناخته شده این خاندان علی بن‌الحسین بن‌موسى بن‌بابویه معروف به «ابن‌بابویه» (درباره او سه دنباله مقاله) و بزرگترین و پرآوازه‌ترین ایشان فرزند وی معروف به شیخ صدوق و ابن‌بابویه و رئیس المحدثین است. «ابن‌بابویه»، هم برای پدر و هم برای پسر با قرینه، مثل ذکر کنید، به کار می‌رود. همچنان که تثنیه آن (ابن‌بابویه) بر همین پدر و پسر دلالت دارد، نه صدوق و برادرش (افتندی اصفهانی، ج ۶، ص ۱۱). گذشته از سه داشتمند نامبرده، عده بسیاری از افراد این خاندان به مراتب بلند در فقه و حدیث دست یافته‌اند. نویسنگان کتب تراجم و رجال، از جمله میرزا عبدالله افتندی در ریاض العلماء و ابن‌حجر در لسان العیزان و ابوعلی حائزی در متنه المقال، به مرتبه علمی و شماره قابل توجه داشتمدان این خاندان در طول سه قرن اشاره کرده‌اند. شهید ثانی سلسله سند برخی احادیث را ارائه کرده که در آنها پنچ یا شش تن از آل‌بابویه به ترتیب با یکدیگر نسبت پدری و پسری داشته‌اند. شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی رساله‌ای مستقل در شناساندن پائزده تن از بزرگان این خاندان نوشته، در حالی که به گفته ابوعلی حائزی نام چند تن ایشان از قلم افتداده است. برخی از عالمان این خاندان، که غالباً از نسل برادر شیخ صدوق بوده و در ریاض العلماء مذکورند، عبارتند از:

- (۱) ابوالحسن علی بن‌الحسین بن‌موسی بن‌بابویه قمی، که به تعبیر نجاشی (ص ۴۶۱) «الشيخ و فقيه و متقدم» قیام در عصر خود بوده و به «الفقيه» و «الصادق الأول» و ابن‌بابویه شهرت داشته است. شیخ طوسی در رجال (ص ۴۸۲) نام او را آورده و در الفهرست (ص ۱۱۹) ضمن اشاره به مقام او در فقه و حدیث، بسیاری از کتابهایش را نام برده است. طبرسی در الاحتجاج (– نوری، ج ۳، ص ۵۲۷؛ تستری، ج ۶، ص ۴۷۴) توقيعی را که از امام عسکری علیه السلام برای ابن‌بابویه با عباراتی چون «الشيخی و معتمدی» صادر شده، نقل کرده است. دیگران نیز این توقيع را با دیده قبول نگرفته و نقل کرده‌اند. نوری (همانجا، ص ۵۲۸) با توجه به تاریخ وفات امام عسکری علیه السلام، (سال ۲۶۰) و صدور توقيع یاد شده و زمان درگذشت ابن‌بابویه (سال ۳۲۹) توجه گرفته که او عمری دراز کرده است. البته برخی از محققان با استناد به دوره زندگی مشایخ علی بن‌بابویه و عدم نقل هیچ روایتی توسط او از امام عسکری علیه السلام و

حفظ داشته‌اند. از پدر و برادرش و جمیع دیگر روایت کرده و چند کتاب نوشته که یکی از آنها به خواهش صاحب بن عباد بوده است. شیخ طوسی و سید مرتضی و حسن بن محمدبن الحسن القمي، مؤلف تاریخ قم، از او روایت کرده‌اند. نسبت متجب الدین رازی و بیشتر علمان این خاندان به او می‌رسد (علاوه بر منابع دیگر به ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۳۰۶).

(۳) الحسن بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، برادر صدوق، که به گفته شیخ طوسی، مردی زاهد پیشه بوده و از دانش بهره چندانی نداشته است.

(۴) ابوالقاسم الحسن بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، برادرزاده شیخ صدوق و از روایان او؛ از دانشمندان زمان خود بوده و دو فرزند داشتمند به نامهای محمد و حسین داشته است، (۵) محمدبن الحسن بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، برادرزاده شیخ صدوق و از روایان او.

(۶) علی بن محمدبن الحسن بن الحسین بن بابویه؛ فقیهی فاضل از نزدیکان متجب الدین.

(۷) شمس‌الاسلام الحسن بن الحسین بن الحسین بن علی بن بابویه معروف به حنکا (دریارة این کلمه به افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۳۹) از برادر زادگان صدوق و جد شیخ متجب الدین. وی نزد شیخ طوسی و سلارین عبدالعزیز و قاضی ابن براج شاگردی کرد و خود چند کتاب فقهی نوشت، عبدالجلیل قزوینی که با وی معاصر بوده او را از دانشمندان بزرگ امامیه خوانده است.

(۸) عبد‌الله بن الحسن بن الحسین بن الحسین بن بابویه القمي، پدر متجب الدین و از شاگردان شیخ طوسی و سلارین عبدالعزیز و ابن براج و سیدابن حمزه (احتمالاً ابویعلی جعفری، شاگرد شیخ مفید به افندی اصفهانی، ج ۲، ص ۲۹۵) و پدر خود بوده است. فرزندش متجب الدین و حسن بن حسین بن علی دوریستی از او روایت کرده‌اند.

(۹) سعدبن الحسن بن الحسین بن بابویه، متجب الدین او را فقیهی معتمد خوانده و به گفته ریاض العلماء احتمالاً عمومی متجب الدین باشد.

(۱۰) بابویه بن سعدبن محمدبن الحسن بن بابویه، فقیهی صالح، از شاگردان حنکا و مؤلف کتابی به نام الصراط المستقیم بوده است (علاوه بر منابع معرفی شده به ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲).

(۱۱) شیخ‌الرئیس الحسن بن الحسن بن الحسین بن علی بن بابویه، نواده برادر صدوق و جد اعلای متجب الدین، از بزرگان دانشمند امامیه در روزگار خود بوده و صیرشتی\* در آنچه الصباح از او روایت کرده است.

(۱۲) هبة‌الله بن الحسن بن الحسین بن بابویه، به گفته

کتابهای ابن بابویه اثری بر جای نمانده، جز آنکه علامه مجلسی (ص ۷، ۲۶) الامامة والتبصرة او را در اختیار داشته و در مجلدات شانزدهم و هفدهم بحار الانوار بنابر نقل آقابزرگ تهرانی (ج ۲، ص ۳۴۲) مطالب زیادی از آن را آورده است. البته تهرانی (همانجا) و نوری (ج ۲، ص ۵۲۹) درباره صحّت انتساب این نسخه تردید کرده و آن را به ظن قوی نوشته یکی از معاصران شیخ صدوق می‌دانند (افندی نیز در این باره بحث کرده است)؛ محقق اردبیلی قرب الاستناد او را در دست داشته و روایاتی از آن را در حدیث الشیعه نقل کرده است. کتاب الشرایع او نیز تا روزگار شهید اول، وجود داشته است (نوری، ج ۲، ص ۵۲۹). علامه مجلسی (ص ۱۱-۱۲) در شمار منابع بحار الانوار کتابی به نام فقه الرضا را نام می‌برد که شخصی ثقہ آن را به اصفهان آورده و به امام رضا علیه السلام، نسبت داده است؛ مجلسی - که خود و پدرش این انتساب را پذیرفتند - در وصف این کتاب می‌گوید که بیشتر عبارات آن مطابق است با احکامی که صدوق در الفقیه بدون سند روایی ذکر کرده یا در رسالت نقهی پدر وی وجود دارد یا در کتب نقهی، بدون سند آمده است. افندی اصفهانی (ج ۲، ص ۳۱۳، ج ۴، ص ۹) ضمن تأیید قول کسانی که این کتاب را همان الشرایع ابن بابویه می‌دانند که به دلیل تشابه اسمی وی با امام رضا علیه السلام، (ابوالحسن علی بن موسی) به آن حضرت نسبت داده شده، استاد خود را نیز از معتقدان به این نظریه می‌شمارد (نوری در اثبات صحّت انتساب کتاب به امام رضا علیه السلام، و نفي انتساب آن به ابن بابویه بتفصیل بحث کرده است - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۶-۳۲۱). همچنین افندی اصفهانی رساله‌ای به نام الکثر والقفر را به وی نسبت می‌دهد که صورت مناظره او با محمدبن مقائل رازی (متوفی ۲۴۸) در مسایل امامت است و خود شخصاً آن را دیده است (سرگین رساله‌ای را با همین خصوصیت و بدون نام به عبداللله بن بابویه القمي نسبت داده است - افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۶؛ سرگین، ج ۱، بخش ۳، ص ۸۵). نام استادان و شاگردان ابن بابویه به طور کامل استقماً نشده است، هرچند که شاگردی او نزد علی بن ابراهیم قمی و محمدبن یحیی العطار و محمدبن الحسن الصفار و عبداللله بن جعفر الجمیّری و سعدبن عبدالله اشعری؛ و نیز شاگردی شیخ صدوق و برادر او حسین بن علی و ابن ابی مروان و هارون بن موسی تلعکبری نزد او مسلم است (نیز - ماقانی، ج ۲، ص ۴۷۱-۴۷۵؛ تشریی، ج ۶، ص ۲۸۴-۲۸۳).

(۲) ابوعبدالله حسین بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، برادر شیخ صدوق و از روایان و مؤلفان قرن چهارم. نجاشی و طوسی بر وثاقت او تصریح کرده و مؤلفان بعدی نیز قول آن دو را پذیرفته‌اند. او و برادرش صدوق قادرت زیادی در فراگیری و

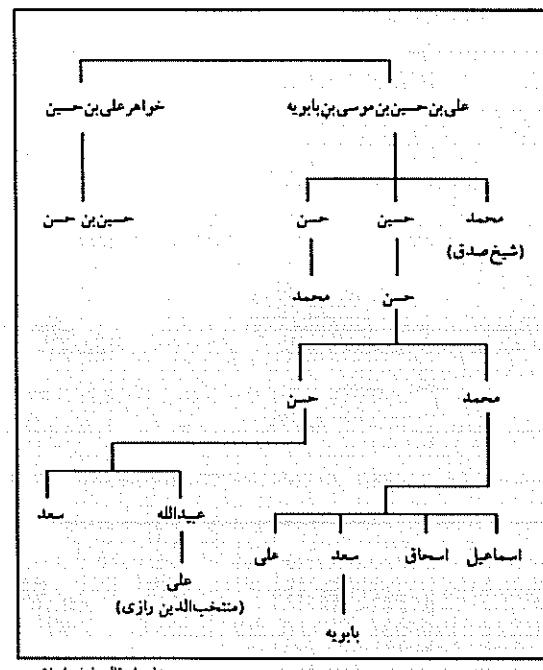
## باب همایون (۱)

۱۰۳

محمد تقی شتری، قاموس الرجال، تهران ۱۳۴۰؛ فؤاد سرگین، تاریخ التراث العربی، نشریه نظریه، محمود فهی جباری، ریاض ۱۴۰۳-۱۹۸۲؛ ۱۹۸۳-۱۹۸۲؛ نسخه‌الدین بن محمد طربی، مجمع البحرين، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسي، نجف ۱۳۸۰؛ همن، الفهرست، نجف ۱۳۸۰؛ عبدالله مامقانی، تدقیق المقال فی علم الرجال، نجف ۱۳۴۹؛ ۱۳۵۲-۱۳۴۹؛ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بعثارات الانوار، بیروت ۱۴۰۳؛ ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ علی بن عبدالله متوجه الدین وازی، فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفوهم، قم ۱۴۰۴؛ مقدمه و جاهای متعدد، ذیل نامها؛ احمدین علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفو الشیعه المشتهر بر رجال النجاشی، چاپ موسی شیری زنجانی، قم ۱۴۰۴؛ حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الرسائل، قم ۱۳۲۱-۱۳۱۸.

### /حسن طارمی /

باب همایون (۱)، دروازه و خیابان متصل به آن در ارگ قاجاری در تهران، نیمه جنوبی ارگ، جایگاه محله سلطنتی، با کوچه‌ای به نام کوچه درب اندرون از ناحیه وزارتی در شمال جدا می‌شد و خیابان شمالی - جنوبی المسایه، که بعد از باب همایون نامیده شد، خود ناحیه وزارتی را به دو محله تقسیم می‌کرد. سر در المسایه، انتهای جنوبی خیابان المسایه را به وسط کوچه درب اندرون می‌پیوست؛ دروازه دیگری به نام دروازه ارگ، بنای ساده‌ای که در دوره تسلط انگانها ساخته شد، آن خیابان را به باروی شمالی ارگ متصل می‌کرد (مبین‌رسکی در چاپ اول داسلام، ج ۷، ص ۷۱۸). بد نشاید از محلات ارگ و تهران که بزرین<sup>۱</sup> در ۱۲۵۸ تهیه کرد اشاره و آن را از نظر تاریخی مهم تلقی می‌کند). در ۱۲۸۵-۱۲۹۱ براساس طرح اوگوست کرزبر آریشی، تهران توسعه اساسی یافت (پولاک، ص ۲۱۸ و لوحه ۳) و به گسترش شهر در همجهات انجامید (آرنس، ص ۴۶ و بعد). میدان توپخانه در شمال ارگ احداث شد؛ برای کشیدن خیابان ناصریه (بعدها ناصرخسرو) به قصد انحراف مسیر عبور و مرور عمومی از خیابان المسایه، خندق شرقی ارگ پر شد (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۳-۱۲۹۶، ج ۳، ص ۴۴) و خیابان المسایه و دروازه‌های آن نوسازی شد. وظیفه نظارت بر نوسازی به محمد رحیم خان قاجار علاوه‌الدوله امیرنظام محول شد و در آن استثنای قدمی معماري ایرانی با بعضی خصوصیات معماري اروپائی به هم آمیخت (کرزدن، ص ۳۰۶ و بعد). سردر المسایه به صورت ساختمانی دو اشکوبه تجدید بنا شد و آن را باب همایون نامیدند (تقلیدی آشکار از عثمانیها که این نام را به معنای «دوازه شاهی» به در ورودی اصلی در باروی خارجی



نسب نامه آل بابويه  
بناد دایره المعارف اسلامی

متوجه الدین فقیه صالح بوده و بنا به گفته مؤلف ریاض العلماء از عموم زادگان متوجه الدین است.

(۱۲) اسماعیل اسماعیل که به گفته متوجه الدین نزد شیخ طوسی همه کتابهای او را خوانده و کتابهای دیگری به فارسی و عربی نوشته‌اند. ظاهراً این دو نیز از برادرزادگان صدوق بوده‌اند.

(۱۴) الحسین بن الحسن بن محمد بن موسی بن بابویه القمي، فقیه از خاندان بابویه و خواهر زاده و راوی ابن بابویه پدر، همچنین شیخ طوسی از شخصی به نام جعفرین الحسن بن الحسکة القمي روایت کرده و او خود از روایان صدوق است. مؤلف ریاض العلماء شخصی دیگر به نام حسکه بن بابویه را نام می‌برد و احتمال می‌دهد که جد داشتمد مذکور بوده و از خاندان شیخ صدوق می‌باشد.

منابع: محمدحسن آقابزرگ تهران، التعریفه الى تصنیف الشیعه، چاپ علی نقی متزوی و احمد متزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ ابن بابویه، الامامة والبصرة من الحیرة، چاپ حسینی، بیروت ۱۴۰۷؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدر آباد دکن، ۱۴۳۰؛ ابن نديم، کتاب الفهرست، چاپ رضا نجفی، تهران ۱۳۵۰؛ عبدالله بن عبسی التندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱، جاهای متعدد، ذیل نامها؛ سلیمان بن عبدالله بحرانی، فهرست آل بابویه و علماء البحرين، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۴، ص ۱۶۳۶؛